



گریه جنگجو و عروس ناسازگار دارکاهکده!

حسن طاهری



اشاره:

گوی غلطان هستی را که می نگرید، نزدیک به دو یست محدوده جغرافیایی جدای از هم به نام کشور را در خود گرد هم آورده است؛ کشورهایی کوچک و ناچیز به اندازه جزیره پنج کیلومتر مربعی سیلند، تا کشور پهناور و گسترده هفده میلیون کیلومتر مربعی روسیه. در میان همه این سرزمین ها و کشورهای بزرگ و کوچک، مردمان چند سرزمین پر حادثه با روحیاتی شگفت آور، معادلات و قوانین دنیای جدید را به چالش جدی کشیده اند. ایران؛ لبنان و کمی پائین تر فلسطین و آن سو تر شمال آفریقا. و چه کسی چه می داند

شاید به همین زودی ها همه دنیا. اما آنچه که باعث حیرت دیدگان همه دنیاست، مردمان دو گوشه شرقی و غربی خاور میانه است: ایران و لبنان به عنوان خاستگاه اصلی روحیه شهادت طلبی و به کار گیرندگان عنصر و سلاح شهادت در طی سه دهه گذشته، ناسازگار ترین ملل جهان در برابر خواسته های زور مدارانه دنیای مدرن شناخته شده اند. دو کشوری که با اتکاء به ارزان ترین و البته قدرتمندترین سلاح تاریخ، توانایی همه کشورهای قدرتمند را به زانو در آوردند.



غول هزار شاخ و شیشه طلسم اژدهای چند سر جهود را شکست. به راستی چرا دنیای پیشرفته و تابن دندان مسلح و سیطره یافته بر اوج فضا و عمق دریا، تا این اندازه باید از یک گروه اندک مردمی و نیروی شبه‌نظامی کوچک، در هراس باشد؟

بیم و هراس سران دهکده، به درازای عمر آفرینش نیکی و شر و به بلندای قصه شیطان و عشق ریشه دارد، اما آنچه در زمانه ما بر سران دنیا آشکار شد، در گرای پر آتش و خون جنگ ۸ ساله‌ای بود که چون ستاره دنباله‌دار درخشانی، همه توفان‌ها و حادثه‌ها را به دنبال خود بر گوی گردان رنگارنگ زمین در پی داشت. این گرای سرخ و داغ، از سه دهه پیش، از زاویه‌های تعریف شده و مرسوم دنیا، فاصله گرفت و اکنون در شکاف و چالشی عظیم با تمامی زمینه‌ها و زاویه‌های پذیرفته شده دنیا قرار گرفته است. نقطه درخشش و انفجار رعدآسای این حادثه هنگامی بود که رزمندگان و بسیجیان دست خالی انقلاب، در نخستین عملیات‌های نبرد با عراق، ماشین جنگی شرق و غرب را درهم کوبیدند و ۱۳ ساله‌های کوچک‌اندام، همه قدرت و شکست‌ناپذیری غول‌های آهنی را در کوچه‌های خرم‌شهر به مبارزه طلبیدند. مردان کوچکی که لقب «رهبر حقیقی انقلاب» در شناسنامه آنان ثبت شد. حسن‌گرهای نظریه‌پردازان سیاسی و اندیشمندان اجتماعی آمریکا، نشانه‌های خطرناکی از مجموعه سیگنال‌های منتشر شده از این گرا دریافتند؛ نشانه‌هایی که

موشه‌دایان، وزیر کهنه‌کار دولت اسرائیل، در آغاز پیروزی انقلاب، آن را به عنوان زلزله نام برده بود؛ آن هم «زلزله‌ای که لرزه‌های آن به همه دنیا خواهد رسید!»

«دوباره حزب الله! چه وقت از دست این لعنتی [...] راحت می‌شویم؟!» این کلمات وقتی از بلندگوهای سالن اجلاس رهبران گروه ۸ پخش شد که تونی بلر، رئیس جمهور بریتانیا، خبر به اسارت درآمدن دو سرباز اسرائیلی توسط حزب الله لبنان را، به آرامی در گوش جرج بوش رئیس جمهور ایالات متحده زمزمه می‌کرد. هنگامی که دوربین‌ها این صحنه و جمله‌ها را ثبت کردند، جرج بوش تازه متوجه خطای فاحش خود شده بود. میکروفن روبروی میز پرزیدنت، روشن بود. عصبانیت همراه با ناسزای بی‌ادبانه جرج بوش در برابر چشمان سران کشورهای صنعتی جهان که در آخرین روزهای تابستان ۲۰۰۶ روسیه در سن پترزبورگ برگزار شد، گویای حقیقتی است که سال‌هاست خواب آرام و رؤیای شیرین دنیا را آشفته کرده است. این حقیقت تا آنجا سخت و تلخ است که کدخدای پر قدرت و زورمدار دهکده نوین جهانی را ناگزیر به ناسزا گفتن - از نوع آمریکایی - آن می‌کند. چه کسی می‌داند، شاید حرف‌های نهفته در دل جرج بوش و تونی بلر، فراتر از این ناسزاهاست و خود دفتری می‌خواهد هزاران برگ که شرح خون جگر چاک‌چاک شده سران دنیا را در آن بتوان نگاهت.

این ناسزای نه چندان از روی ادب، بر ملا کننده چیست؟ به راستی در پهنه مردابی و ساکت کنونی دنیا چه می‌گذرد؟ سران زورمدار دهکده به چه حقیقتی رسیده‌اند که تا این اندازه آرامش و قرار از آنان ربوده شده است؟ حقیقت چیزی نیست جز آشکار شدن «قدرت حزب الله»؛ قدرت و کارآمدی که افسانه شکست‌ناپذیری

به راستی چرا دنیای پیشرفته و تابن دندان مسلح و سیطره یافته بر اوج فضا و عمق دریا، تا این اندازه باید از یک گروه اندک مردمی و نیروی شبه‌نظامی کوچک، در هراس باشد؟

بازآفرینی تمدن و احیای هویت
در خشان اسلامی، همان هدفی بود که
ساکنان این دو سرزمین - ایران و
لبنان - آن را دنبال می‌کردند؛ آن هم
در سایه حیات طیبه قرآنی.

نشریه انگلیسی «گاردین» به همه سران
دنیا و کخدایان دهکده آینده هشدار
می‌دهد که مهم‌ترین و خطرناک‌ترین
چالش قرن آینده، ایران و لبنان
خواهند بود



می‌کنند که شیر هستند؟ و آیا بر دنیای جنگلی پر از شیر می‌توان حکومت کرد؟

همزمان با این تحوّل ژرف و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ایران، در شرقی‌ترین ساحل مدیترانه، عروس خاورمیانه تور و تزیین و آرایش را از خود می‌زدود و در حال پوشیدن جامه رزم بود. لبنان نیز پس از قرن‌ها آشفتگی و سردرگمی و جنگ طوایف و گروه‌ها، زایشی دوباره می‌یافت و تعالیم ابوذر دلیر، در اقلیم زیتون و سیب به ثمر می‌نشست. این سوی خاورمیانه فرزندان سلمان و آن سو شاگردان ابوذر، ساکنانی بودند که دو طایفه بزرگ شیعه را در شرق و غرب خاورمیانه به هویت و شکوه طلایی پیشین خود یادآور می‌شدند و با ضربان‌های حماسی و عاشورایی، خون جهاد و مبارزه را به جای جای جهان اسلام منتشر می‌کردند. بازآفرینی تمدن و احیای هویت در خشان اسلامی، همان هدفی بود که ساکنان این دو سرزمین - ایران و لبنان - آن را دنبال می‌کردند؛ آن هم در سایه حیات طیبه قرآنی. رمز آشکار شلیه بود، رمز هراس و بیم دنیا، رمزی که طاغوت را می‌ترساند؛ «تولد قطب قدرتمند اسلام».

این هدف می‌توانست به خوبی ساکنان دست خالی و پابره‌نه دیگر سرزمین‌ها را در برابر پیشرفته‌ترین سلاح‌ها پایدار سازد. ساکنان دنیا به خوبی کارآمدی سلاح شهادت را دیده بودند. سلاحی که به هیچ کارخانه و مرکز تولیدی نیاز ندارد و از اقوام و توده‌های بشر، با داشتن اعتقاد به خدا، کوه‌هایی پابرجا می‌آفریند که هیچ‌کس را یارای مقابله با آن نیست؛ سلاحی که در جان و قلب موحدان و خداپرستان قرار گرفته است. برای گرفتن این سلاح از دست بشر چه باید می‌کرد؟ شبکه‌ها و رسانه‌های دنیا، تحلیل‌ها و نقد‌های

این نشانه‌ها چه می‌توانست باشند؟ «تولد قطب قدرتمند اسلام» همان چیزی بود که در همه محافل رسمی سران دنیا، زبان به زبان به صورتی هراسناک، میان شیک‌پوش‌های سیاستمدار می‌چرخید. این قطب قدرتمند و ترس‌آور برای دنیا، با آن که طفلی نوپا و نارس بود، اما همه آموزه‌ها و بدیهیات و مسلمات شرق و غرب را به چالش کشیده بود و نه تنها کهنه‌ترین و قطورترین نظریه‌ها را کنار نهاده بود، بلکه خود طرحی نو در انداخته و آهنگ شکوفایی تمدن اسلام و گل‌افشانی در دنیای بشریت را داشت. از همین رو این طفل بی‌باور و نارس، در آغاز حرکت خود باید پنجه در پنجه زورمداران کارکشته‌ای می‌انداخت و بحران‌ها و توطئه‌هایی را پشت سر می‌گذاشت، تا ورزیده و نستوه شود.

جنگ نابرابر ۸ ساله با ۸۰ کشور دنیا، تنها یکی از ده‌ها حادثه پیش روی این کودک نوپا بود. پیش از جنگ نیز، انقلاب توانسته بود در ناباوری و شگفتی تمام، بدون پشتیبانی هیچ نهاد و حزب سیاسی یا رژیم و حکومتی قدرتمند، سلطنت کهنسال و تنومندی با عمر ۲۵ قرن را درهم شکنند. رویارویی این کودک تنها در عرصه سیاست با قلدرهای زورمدار دنیا، رعد مهیبی بود که همه ساکنان در خواب شده دنیا را برمی‌خیزاند و آرامش مرداب‌گونه دنیا را بر هم می‌ریخت. گربه آرام و خانگی و اهلی سران دنیا که سال‌ها بود موش‌های کوچک و ناآرام خلیج را آرام می‌ساخت و عرب‌های کوتاه‌قد را در سوراخ‌هایشان می‌نشاند، خود را شیر عرصه جنگ می‌دید؛ آن هم جنگی در برابر همه خواسته‌ها و زیاده‌خواهی‌های اربابان پیشین. برای این جنگ، تنها چیزی که می‌توانست اربابان را به وحشت اندازد، پنجه انداختن در صورت اربابان دنیا بود؛ آن هم در روز روشن. آیا از این پس گربه‌های دیگر دنیا نیز فکر

خطرناک‌ترین چالش قرن آینده، ایران و لبنان خواهند بود. حقیقت این تحلیل آن است که در دنیا، توده‌ها، گروه‌ها و صنف‌ها، قواعد دهکده جهانی را پذیرفته‌اند. کلدخدایان دهکده به خوبی می‌توانند همه را بر سر میز مذاکره بنشانند و سرانجام با سودی اندک یا زیاد معامله را پایان بخشند؛ خواه با تهدید هسته‌ای، خواه با ناپالم؛ خواه با نورنبرگ، خواه با پروتکل و خواه با ... آنچه که هست همه توده‌ها با هر دین، فرقه و فرهنگی، اصول اولیه این دهکده را می‌پذیرند؛ حتی مسلمانان، مسلمانان به ویژه اعراب به خوبی با این قواعد کنار آمده‌اند. با این‌که رقص حماسی شمشیر و آتش - که نماد عربیت و هیبت تاریخی آنهاست - هنوز زینت بخش هر محفل و مجلس آنان است و هر صبح و شام نماز اول وقت و تلاوت قرآن‌شان ترک نمی‌شود، اما سروری و سیادت کلدخدا را پذیرفته‌اند. حتی مفتیان الازهر و خشک‌تر از آنان یعنی ملایان عقال سرخ ریاض نیز که با آیات و روایات، حقیقت سیطره مادی مدرنیته و صاحبان صنعت و تکنولوژی را در عصر آخرالزمان برای خود اثبات نمودند، بر «ولایت مطلقه غرب» تن داده و در بلعیدن خرد بهره‌های نفتی با آنان همسفره و همسفر گشته‌اند. تنها در دو گوشه از این کره خاکی، مردانی سخت و انعطاف‌ناپذیر وجود دارند که با هیچ قاعده‌ای بازی نمی‌کنند و نه تنها فقط بازی نمی‌خورند، بلکه همه را با قواعد خاص و مخفی خود بازی می‌دهند. برای آن‌ها معامله و مذاکره و تفاهم؛ واژگانی نامفهوم و ناشناخته است. آن‌ها فقط یک مفهوم را می‌پذیرند: گرفتن حق؛

فراوانی در این باره ارائه کرده‌اند. به راستی چه مذاکرات و معاملاتی می‌توانست این سلاح را از دست مبارزان حق برآید؟ آیا مذاکره با شیوخ عرب و اعطای حکومت‌های مادام‌العمر به آنان کافی بود تا ساکنان سرزمین‌های آنان را آرام سازد؟ آیا راضی ساختن چند کوتوله دشمن‌پوش با حرمسراها و عمارت‌های زیبا، مسئله را حل می‌کرد؟ یا برپایی بهشت شداد در کویر امارات و حجاز و تبدیل آن به پایتخت شکم بارگی و زن‌بارگی، این سلاح را می‌شکست؟ هیچ‌کس حتی کارشناسان کهنه‌کار و رسانه‌های کارگشته پاسخ آن را نمی‌دانست. همه نمونه‌ها بررسی شده بود، اما پاسخ گرفته شده، برخلاف و عکس آن بود.

تحلیل‌ها از مجموعه دستاوردهای به دست آمده، گویای حقیقت دیگری بودند. فاش‌گویی نشریه انگلیسی «گاردین» در شماره‌های آغازین قرن بیست و یکم که تحلیل مفصلی از دنیای اسلام ارائه کرد، آشکارا به ناسازگاری و سازش‌ناپذیری ایران و لبنان در دهکده جهانی هشدار داد.

«گاردین» بستری‌های نوین و معادلات جدید دنیای مدرن را زمینه‌های مناسبی برای پذیرایی از ساکنان لبنان و ایران نمی‌داند و به همه سران دنیا و کلدخدایان دهکده آینده هشدار می‌دهد که مهم‌ترین و

**ایران و لبنان ناسازگارترین
و سازش‌ناپذیرترین
سرزمین‌های جهان هستند.
ساکنان این دو کشور، بر هم
زندگان اصلی نظم آینده
جهان خواهند بود و دهکده
جهانی با حضور این دو، روی
آرامش را نخواهد دید.**



امام موسی صدر در طول زندگی درخشان خود، همواره آموزه‌های علوی زیستن را به کار بست و با آرمان‌های توحیدی، جامعه‌ای متفرق و گوناگون را به وحدت رساند؛ وحدتی ناگسستنی و پایدار.

حتی به بهای ریخته شدن خون و از دست دادن جان. آدم‌هایی تولد یافته، برای برهم ریختن نظم دنیا و شکستن معادلات جهانی.

به دو حاشیه شرقی و غربی خاورمیانه خوب نگاه کنید. در یک سو گربه‌ای خیز گرفته برای حمله، رو به غرب نشسته است و در آن سو نیز عروسی ایستاده و تاج زیتون بر سر دارد. ایران و لبنان ناسازگارترین و سازش‌ناپذیرترین سرزمین‌های جهان هستند. ساکنان این دو کشور، بر هم زندگان اصلی نظم آینده جهان خواهند بود و دهکده جهانی با حضور این دو، روی آرامش را نخواهد دید. در قواعد جهانی جدید، باید فکری اساسی برای ساکنان ایران و لبنان کرد. حالا می‌توان عصبانیت جرج بوش را به خوبی درک کرد. شاید ما نیز اگر جای او بودیم، از سر عصبانیت همان را می‌گفتیم که او به یار دیرینه و وفادارش تونی بلر گفت: «دوباره

حزب الله! چه وقت از دست این لعنتی [...] راحت می‌شویم؟» پاسخ جرج بوش را موشه دیان، وزیر کهنه‌کار اسرائیل، ۳۰ سال پیش داده است: «انقلاب اسلامی زلزله‌ای است که لرزه‌های ویرانگر آن، به همه دنیا دیر یا زود خواهد رسید!»

مردی همچون علی (ع)

مصطفی عقاد، کارگردان سوری‌الاصیل‌هالیوود و آفریننده فیلم محمد رسول‌الله(ص)، در دیدار با امام موسی صدر، وقتی از تأثیر این اثر سینمایی در جهان غرب سخن می‌گوید، امام موسی صدر او را خطاب قرار می‌دهد: «چرا چنین اثری برای علی(ع) (نمی‌سازی؟) مصطفی عقاد در پاسخ چنین می‌گوید: «علی(ع) شخصیتی است که همه او را می‌ستایند؛ حتی دشمن‌ترین دشمنانش، مسیحی و یهودی و کافر و مؤمن و مسلمان و غیر مسلمان، همه و همه علی را پذیرفته‌اند و او را قبول دارند. اگر قرار باشد کسی نقش علی(ع) را در فیلم امام علی(ع) ایفا کند، کسی نیست جز شما امام صدر؛ چرا که در سرزمین‌های اسلامی، همه و همه از اهل کتاب گرفته تا مسلمانان، شما را می‌ستایند.»

این گفتار مصطفی عقاد، گویای همه زوایای پنهان شخصیت امام موسی صدر است؛ شخصیتی که سران غرب به داشتن یک زاویه از چند زاویه شخصیتی آن مرد غبطه می‌برند.

تحلیل و یافتن راهکار سیاسی درباره وضعیت و ویژگی‌هایی همچون ناسازگاری و سازش‌ناپذیری ایران و لبنان، بدون بازشناسی رهبران این دو سرزمین امکان‌پذیر نیست؛ رهبرانی که پیش از آنکه حکومت و





امام موسی صدر، بین همه مذاهب و فرقه‌ها آنچه‌ان وحدتی آفریده بود که در بین شیعیان یادآور علی(ع)، در میان مسیحیان یادآور مسیح(ع)، در جمع کلیمیان یادآور موسی(ع) و در میان اهل سنت یادآور محمد(ص) بود.

و جهاد و مبارزه را ترک نگفتن؛ پرورش انسان‌های مؤمن و رعایت نظم و تقوا؛ عملکرد و کارنامه درخشان غیرتمندترین مرد الهی - علی(ع) - بود. امام موسی صدر در طول زندگی درخشان خود، همواره آموزه‌های علوی زیستن را به کار بست و با آرمان‌های توحیدی، جامعه‌ای متفرق و گوناگون را به وحدت رساند؛ وحدتی ناگسستنی و پایدار. او با صبر و دوراندیشی تمام، راهی را فراروی ملت لبنان گشود که حضرت امام نیز همان را بر مردم ایران گشودند. راهی که به وقوع بزرگ‌ترین معجزه زمانه غیبت انجامید و پدیده انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین را تحقق بخشید. تدبیرها و روش‌های عالمانه امام موسی صدر، نه تنها در راستای یکپارچه کردن سرزمین عروس هزار داماد خاورمیانه بود، بلکه کوشش همه‌جانبه‌ای برای وحدت دنیای اسلام و به ویژه دنیای عرب از سوی او دیده می‌شد و این همان چیزی بود که از اسلام ناب یافته بود. او متولد و رشدیافته شهری بود که ژرف‌ترین اندیشه‌ها و ناب‌ترین روش‌های اسلامی و الهی در آن نهفته بود.

امام موسی صدر سال ۱۳۰۷ در قم به دنیا آمد و در پانزده سالگی وارد حوزه علمیه شده بود. با نبوغ و استعداد خاصی که داشت، در چهار سال، دروس سطح را به پایان رساند. در نوزده سالگی عازم نجف شد و نه سال در حوزه‌های علمیه عراق تحصیل کرد. در تمام دوره سیزده ساله تحصیل او در قم و نجف، آشنایی با فلسفه ملاصدرا و فقه جواهری، عمده تلاش‌های علمی او بود. در ۲۸ سالگی به ایران بازگشت و با درجه اجتهاد به عنوان نخستین دانشجوی روحانی در رشته «حقوق در اقتصاد» به دانشگاه تهران رفت. او یکی از بهترین شاگردان مرحوم علامه طباطبایی بود. همراهی او در بحث‌های علمی، بیشتر با شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله شبیری، آیت‌الله اردبیلی و آیت‌الله مکارم شیرازی بود. سرانجام با توصیه‌های آیات عظام بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل یاسین، وصیت رهبر شیعیان لبنان، مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین را لایک گفت و در ۳۱ سالگی به سوی لبنان شتافت.

امام موسی صدر، در نخستین روزهای حضور خود در لبنان، مطالعه عمیقی درباره محرومیت‌های مردم این منطقه انجام داد و سه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت را در راستای محرومیت‌زدایی

حاکمیت ظاهری و سیاسی داشته باشند، بر قلب‌ها و عواطف توده‌ها حکومت می‌کنند. رهبرانی که با هدایت اقوام و گروه‌ها از ملت‌های خود، مردمی یکپارچه، سرسخت، مقاوم، نستوه، یکدست، شکست‌ناپذیر و حماسه‌ساز می‌آفرینند.

اقوام ایرانی و لبنانی، از ویژگی‌های شبیه به هم برخوردارند و ساختار اجتماعی و فرهنگی پیوندخورده‌ای دارند. این دو کشور با دارا بودن گوناگونی فکر و سلیقه و معیشت و گویش، حلقه‌ای قدرتمند را بر گرد خود داشته‌اند که همواره یکپارچگی و همبستگی آنان را به خوبی حفظ کرده است. این حلقه پولادین و دژ تسخیرناپذیر، چیزی جز پذیرش اسلام با قلب و جان و از روی اشتیاق نبوده است. عالمان و فقیهان درآشنا در طی قرون متمادی، همواره آتش عشق و شیدایی نسبت به دین و مصادیق کامل آن یعنی اهل بیت را در جان‌های مشتاق، روشن نگاه داشته‌اند و این رابطه از حیطه تقلید از عالم فراتر رفته و در مرحله شیدایی و عشق، به مرحله انجام تکلیف رسیده است. رابطه‌ای ولایی میان مرید و مراد؛ رابطه‌ای که عاشقان را تا سرحد جانبازی در راه مراد معشوق می‌رساند. این روابط حاکم در دو جامعه ایران و لبنان، همواره تحت تأثیر فرهنگ شیعی و به ویژه عاشورا قرار داشته و دارد و با پاسداری و گسترش آن در هر زمان، آثار و نتایجی از خود نشان داده است. عالمان و رهبران دینی این دو سرزمین، با در اختیار داشتن سابقه تاریخی درخشان، تاکنون بر همان شیوه وحدت‌بخش و پر جاذبه امام شیعیان، علی(ع)، عمل کرده‌اند و از همین روست که مراد آنان، یاد علی(ع) را در ذهن‌ها زنده می‌سازد؛ مرامی که از دوست و دشمن، مؤمن و کافر، یهود و نصارا، گیر و بت پرست، بر نیکی و نیکویی آن گواهی می‌دهد.

امام خمینی (ره) و امام موسی صدر (ره)، رهبران نمونه و مصادیق کاملی از علی‌گونه زیستن بودند و این همان رمزی است که طایفه شیعه را در این دو سرزمین، یکدل و یکپارچه و کارآمد و پایدار کرده است.

امام موسی صدر، در حقیقت آن چنان بود که در صدر اسلام نخستین امام شیعیان از همه دوستان خود خواسته بود. حفظ اساس اسلام و وحدت امت، حتی با غضب شدن حق و پایمال شدن عزیزترین‌ها و دم برنیاوردن و سکوت کردن؛ از پای نشستن



امام خمینی (ره) و امام موسی صدر (ره)، رهبران نمونه و مصداق کاملی از علی‌گونه زیستن بودند و این همان رمزی است که طایفه شیعه را در این دو سرزمین، یکدل و یکپارچه و کارآمد و پایدار کرده است.

اسلامی را دنبال می‌کرد؛ تمدنی که برای احیای آن، نیازمند مردانی همچون مردان پولادین اراده حزب‌الله بود.

شهید سید عباس موسوی، دبیر کل حزب‌الله لبنان، یکی از برجسته‌ترین شاگردان امام موسی صدر در لبنان بود که با همان شیوه و مرام امام موسی صدر توانست حزب‌الله را به عنوان قدرتمندترین و محکم‌ترین مشت آهنین و متکی به سلاح ایمان و شهادت در برابر اسرائیل قرار دهد. مشتی که با گذشت دو دهه، بارها و بارها بر دهان اسرائیل فرود آمده است.

شاید کلام دوران‌دیشانه امام موسی صدر، امروزه به خوبی برای اندیشمندان و عالمان فهم شود، وقتی که سخن چنین گفت: «ما تلاش گسترده را در راه وحدت شعائر دینی و اسلامی، برای بالا بردن شأن اسلام مبذول داشته‌ایم و هر کس نسبت به اسلام اخلاص داشته باشد، به تقریب مذاهب فرا می‌خواند...» و این همان حیات طیبه قرآنی است که با اندیشه تابناک او بر آسمان و زمین لبنان سایه انداخته و از کشور چند فرقه‌ای، ملتی استوار و یکپارچه را در برابر دنیا استوار و نستوه کرده است. رفتار پر جذبه و نگاه‌های آسمانی امام صدر انجمن بود که می‌رفت تا در کنار عظمت‌های پیامبرگونه حضرت امام در ایران، انقلاب و حرکتی گسترده را در سرتاسر دنیای اسلام به وجود آورد. از همین رو، سرهنگ معمر قذافی که خود را امیرالمؤمنین آفریقا! می‌نامد، با هراس و بیم از گسترش انقلاب اسلامی به آفریقا، در حرکتی شتابزده از او برای یک سمینار علمی دعوت کرد و در سوم شهریور ۱۳۵۷ او را به صورت پنهانی ربود. اکنون سه دهه از ربوده شدن او می‌گذرد و دنیای اسلام در فراق اوست؛ اما لبنان و همه فرزندان معنوی او، پرچم او را بر دوش می‌کشند.

پسرک سبزی فروش

در میان شاگردان و فرزندان معنوی امام موسی صدر، شهید سید عباس موسوی یکی از درخشان‌ترین و بهترین‌ها بوده است که حضور امام صدر را از نزدیک درک کرده و از او درس‌ها گرفته است؛ اما سیدحسین نصرالله، داستان دیگری دارد. نصرالله یکی از همان پابرهنگان جبل عامل بوده است؛ یکی از همان فرزندان سختی‌کشیده سرزمین لبنان که در مغازه سبزی‌فروشی پدرش،

لبنان اجرا کرد. او با سازمان‌دهی محرومان، همان راهی را پیمود که پیامبر خدا(ص) در مدینه و مکه برای تحقق حکومت اسلامی انجام داده بود. او در ادامه این سیاست، طایفه شیعه را در سرتاسر لبنان وحدت بخشید و برای استمرار این وحدت، از دولت لبنان خواست تا با راه‌اندازی مجلس اعلای شیعیان لبنان موافقت نماید و در سال ۱۳۵۲ «جنبش محرومان لبنان» را راه‌اندازی کرد. سال ۱۳۵۴ جنگ داخلی لبنان با دخالت مستقیم اسرائیل و آمریکا آغاز شد و این بار نیز حضور این مرد آسمانی بود که وحدت ملت لبنان را حفظ کرد. منش او در برخورد با مسائل تفرقه‌انگیز تا آنجا آرام‌بخش بود که از او چهره‌ای الهی ساخته بود. امام موسی صدر، بین همه مذاهب و فرقه‌ها انجمن وحدتی آفریده بود که در بین شیعیان یادآور علی(ع)، در میان مسیحیان یادآور مسیح(ع)، در جمع کلیمیان یادآور موسی(ع) و در میان اهل سنت یادآور محمد(ص) بود.

تلاش‌های او برای وحدت میان ادیان توحیدی، در همه زمینه‌ها بود. نامه‌نگاری به علمای الازهر و مصر و فقهای اهل سنت، جمع‌آوری چهارصد فتوای فقهی و احکام مربوط به حج به نقل از امام صادق(ع) و مورد قبول صحاح سته و ارسال آن برای پادشاه عربستان، تقریب فقهی میان مذاهب اسلامی جهت احیای تمدن اسلامی، دعوت از علمای شیعه و سنی برای اتفاق نظر در وحدت افق شرعی، درخواست از علمای شیعه و سنی برای اعلام واحد زمان عید فطر و دیگر اعیاد و انجام نماز جماعت در روز و وقت یکسان در کشورها، خرید کردن از اهل کتاب و پاک دانستن آنها، برادر دانستن همه مسلمانان، دوری کردن از طرح مباحث اختلافی و متعصبانه، خواندن انجیل و تورات برای نصارا و یهود و شرکت جستن در جماعات و مراسم آنان؛ همه گوشه‌ای است از هزاران هزار رفتار و گفتار این مرد الهی که به کالبد مرده عروس خاورمیانه و پیکر صد چاک لبنان، جان و روح تازه می‌بخشید و از اسلام چهره‌ای جامع‌الاطراف و کارآمد نشان می‌داد. او با نگاهی کاملاً عاشقانه و عالمانه و عارفانه و برخاسته از متن اسلام ناب، حرکتی را بنیان نهاد که به لبه دوم قیچی اسلام در مرکز دنیا، - خاورمیانه - برای بریدن دست استعمارگران تبدیل شد. بسترسازی و پاکسازی منطقه خاورمیانه، نخستین هدفی بود که او با آن، احیای تمدن



شهید سید عباس موسوی، دبیر کل حزب الله لبنان، یکی از برجسته ترین شاگردان امام موسی صدر در لبنان بود که با همان شیوه و مرام امام موسی صدر توانست حزب الله را به عنوان قدرتمندترین و محکم ترین مشت آهنین در برابر اسرائیل قرار دهد.

توانایی نظامی اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه

۲۵۰ جنگنده اف ۱۶

۹۰ جنگنده اف ۱۵

۹۵ بالگرد آپاچی و کبرا

۱۵۰۰ تانک مرکاوا

۷۶ ناو جنگی

هزاران قبضه توپ ۱۵۵ میلی متری

صدها هواپیمای بدون سرنشین

انواع موشک های پیشرفته و مدرن آمریکایی و غربی

ده ها زیر دریایی اتمی و پیشرفته

نیروهای آماده در ارتش: ۲۵۰ هزار کماندو ویژه

آمارها به خوبی نابرابری نیروهای این دو جبهه را نشان می دهند. «کاندولیزا رایس» در نخستین روزهای جنگ، این نبرد را «درد زایمان خاورمیانه جدید» نامید؛ اما با گذشت روزها و هفته ها، نوزاد ناقص الخلقه اسرائیل مرده متولد شد و مادر نابکار سیاست های ظالمانه منطقه، در مقاومت جانانه حزب الله به عزا نشست. آمریکا و اسرائیل به خوبی می دانستند که چهل سال پیش، لشکری به مراتب ضعیف تر از لشکر امروز اسرائیل، طی شش روز، سه ارتش قدرتمند عربی و مورد پشتیبانی همه کشورهای عربی و شوروی سابق را در هم شکست و کیلومترها از خاک کشورهای عربی را اشغال کرد؛ اما در جنگ ۳۳ روزه و مقاومت حزب الله، حتی یک وجب خاک لبنان نیز نصیب آنان نشد. انهدام ۲۲۰ فروند تانک و نفربر، چهار ناوشکن، یک فروند هواپیمای اف ۱۶ و ۱۰ فروند هلی کوپتر آپاچی، تحمل شش میلیارد دلار خسارت، وارد آمدن میلیاردها دلار خسارت به اقتصاد و فراری شدن صدها هزار اسرائیلی از این سرزمین؛ شکسته شدن طلسمی بود که اسرائیل در نیم قرن گذشته با جادوی رسانه های و ارباب و تهدید منطقه ای آن را به وجود آورده بود. طلسمی تاریک که در نورانیت شهاب شهادت باطل گشت.

هم اکنون «سیدحسین نصرالله» و نام «حزب الله»؛ درخشان ترین نام هایی است که در قلب دنیای اسلام می درخشد؛ اما در پس درخشش زیبای آن، همچنان می توان تبسم آسمانی و چشم های آبی امام موسی صدر را از افق تاریخ روشن آن به نظاره نشست و زمزمه زیبای شهید مصطفی چمران را در فضای جبل عامل شنید؛ زمزمه ای که چنین می سرود: «به کسی که او را بیش از حد دوست می دارم! به معبود من! به معشوق من! به امام موسی صدر! کسی که او را مظهر علی می دانم! او را وارث حسین می خوانم! کسی که رمز طایفه شیعه و افتخار آن و نماینده ۱۴۰۰ سال درد، غم، حرمان، مبارزه، سرسختی، حق طلبی و بالاخره شهادت است! تو ای محبوب من! رمز طایفه ای... و من افتخار می کنم که در رکابت مبارزه می کنم و در راه پر افتخارت شربت شهادت می نوشم... درود آتشین من به روح بلند تو باد که از محدوده تنگ و باریک خودبینی و خودخواهی بیرون است و جولانگاهش عظمت آسمانها و اسماء مقدس خداست. عشق سوزان من فدای عشقت باد که بزرگ ترین و زیباترین مشخصه وجود توست و ارزنده ترین چیزی است که مرا جذب تو کرده است...»

با دیدن چشمان آبی امام صدر، شیفته راه و مرام او شد. مرامی که برای او، پیامبر (ص)، علی (ع)، فاطمه (س) و ابوذر را تداعی می کرد. سیدحسین با شیدایی تمام راه او را طی کرد و بر بلندایی ایستاد که او می خواست.

اکنون پرچم حزب الله، با اندیشه تابناک امام خمینی (ره) و امام صدر، در دستان سیدحسین نصرالله قرار گرفته است. پرچمی که در سهمگین ترین تندبادها و توفان های سه دهه گذشته، مقاوم ایستاده است. توان مقاومت و پایداری این گروه اندک، ولی نستوه، در باور بسیاری از تحلیلگران نمی گنجد؛ اما نگاهی گذرا به توانمندی های نظامی و آمارهای نبرد ۳۳ روزه لبنان با اسرائیل در تابستان ۲۰۰۶، گواه کارآمدی و توانمندی اندیشه های تابناک امام خمینی و امام صدر در سرزمین جبل عامل است. تنومندی و استواری شجره انقلاب اسلامی، ریشه در وحدت بخشی و همه جانبه نگری و اتکاء به قدرت ایمان و شهادت دارد که در رفتار و گفتار آن دو مرد الهی موج می زد و امروز نیز در منش و مرام سالار چفیه بر دوش خامنه و فرزندان معنوی او در لبنان، به ویژه سیدحسین نصرالله مشاهده می شود.

توانایی موشکی حزب الله لبنان

موشک: کاتیوشا / برد: ۳۰ کیلومتر / وزن: ۱۵ کیلوگرم
 موشک: فجر ۳ / برد: ۴۵ کیلومتر / وزن: ۴۵ کیلوگرم
 موشک: فجر ۵ / برد: ۷۵ کیلومتر / وزن: ۹۰ کیلوگرم
 موشک: خیبر ۲ / برد: ۱۲۰ کیلومتر / وزن: ۱۶۵ کیلوگرم
 موشک: زلزال ۱ / برد: ۱۵۰ کیلومتر / وزن: ۶۰۰ کیلوگرم
 موشک: زلزال ۲ / برد: ۲۴۰ کیلومتر / قدرت تخریبی فوق العاده
 نیروهای آماده رزم: پنج هزار نفر